

## یادداشت

## قانون داریم؛ مشکل در اجراست

مجید رضاحری  
فعال اقتصادی

فلسفه وجودی مناطق آزاد کشور، بهره‌وری بهینه از ظرفیت‌های موجود در راستای «تولید، اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی» در این مناطق است. بنا بر تعاریف بین‌المللی، منطقه آزاد محدوده حراست‌شده بندری و غیربندری است که از شمول برخی مقررات جاری کشور مشبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و تعرفه گمرکی، همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری، به توسعه سرزمین اصلی کمک می‌کند. بر این اساس، تامین کمبودهای توسعه اقتصاد ملی، بهره‌گیری از مزایا، ظرفیت‌ها و به‌طور کلی برتری‌های نسبی منطقه، برقراری ارتباط سیستماتیک بین اقتصاد ملی و جهانی، کسب و افزودن بر مهارت‌های نیروی کار و مدیریت، تولید و اشتغال، کسب درآمدهای ارزی، جذب سرمایه‌های خارجی و فناوری پیشرفته، همچنین در مرتبه بعدی محرومیت‌زدایی و توجه به مناطق محروم از جمله اهداف اصلی ایجاد مناطق آزاد است. در ایران نیز ایده اولیه شکل‌گیری مناطق آزاد تجاری - صنعتی به برنامه اول توسعه مصوب سال ۱۳۶۸ برمی‌گردد. با وجود تمام مزیت‌ها و ظرفیت‌هایی که برای مناطق آزاد تجاری - صنعتی پرشمرده می‌شود، اما بررسی تجربه مناطق آزاد ایران‌تکه تاکنون تعداد آنها به عدد ۹ رسیده است، نشان می‌دهد این ۹ اقلیم از دستیابی به اهداف اولیه خودنایب مطلوبی نداشته‌اند. در بررسی دلایل این امر به بروز قاچاق در مناطق آزاد تجاری - صنعتی هم می‌رسیم که البته موافقان و مخالفان خود را دارد و موضوعی است که گاهی مطرح می‌شود و انتقادات بسیاری را متوجه عملکرد مناطق آزاد می‌کند. ورود کالا به این مناطق با معافیت‌های بالایی همراه بوده است و برای جلوگیری از بروز پدیده قاچاق در این مناطق، باید در فرآیند ورود کالا از مناطق آزاد به سایر مناطق کشور، قوانین به‌دستی رعایت شوند. در غیر این صورت، کالاهایی که با استفاده از معافیت‌های مختلف و تسهیلات همانند معافیت از پرداخت حقوق گمرکی و معافیت‌های مالیاتی به مناطق آزاد وارد شده است، بدون رعایت قوانین کشوری و بدون پرداخت حقوق گمرکی به سایر مناطق کشور وارد خواهد شد و قاچاق کالا موضوعیت می‌یابد. یاتوجه به مراتب فوق مشخص است که خلأقانونی در لزوم نظارت و کنترل بر کالاهای ورودی از خارج کشور به مناطق آزاد و همچنین این مناطق آزاد به سایر مناطق کشور، وجود ندارد و مشکل در اجرای درست قوانین و نظارت بر اجراست. از سوی دیگر، نهمفقط ورود غیرقانونی کالاهای مبادی رسمی و غیررسمی بلکه بحث قاچاق معکوس و خروج کالاهای کشور، نیز از مسائل مهم امروز اقتصاد کشور محسوب می‌شود. کارشناسان دلایل متعددی را در شکل‌گیری و رونق قاچاق، دخیل می‌دانند که یکی از آنها، بحث وجود ممنوعیت‌های وارداتی است. در رابطه با این مسئله، باید گفت که ایران فاقد معهود کشورهای ایستاده به بخش واردات، ممنوعیت‌های غیرتعرفه‌ای دارد. سایر کشورها با وضع چارچوب‌های تعرفه‌ای، واردات کالاها را مدیریت می‌کنند و اگر هدف دولت‌ها کاهش واردات باشد، تعرفه‌ها را افزایش می‌دهند. در حالی که ایران از سال‌های گذشته در راستای حمایت از تولید ملی و همچنین صرفه‌جویی در مصرف منابع ارزی، واردات بخش زیادی از کالاها را ممنوع کرده است. پاسخگو نبودن تولیدات داخلی سبب شده تا تقاضای واقعی بازار از طریق روش‌های غیرقانونی تامین شود، اما بازار قاچاق، فشار زیادی را بر بازارهای غیررسمی ارز وارد کرده است و این مسئله زیان‌های بیشتری را برای اقتصاد به‌همراه دارد. دلار برای خرید کالای قاچاق، از بازارهای غیررسمی ارز تهیه شده که خود بر نرخ ارز بازار آزاد اثر گذار است. با افزایش تقاضا، نرخ ارز نوسان پیدا می‌کند و در نهایت، تنش‌های اقتصادی ایجاد می‌شود. بنابراین، یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی افزایش قاچاق، رشد نرخ ارز در بازارهای غیررسمی است. از سوی دیگر، باید به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت به‌عنوان یکی از زیان‌های قاچاق اشاره کرد. از این رو، سیاست ایجاد ممنوعیت برای واردات کالاها نه‌تنها به‌نفع بازار ارز کشور نبوده، بلکه مانع از ایجاد درآمدهای جدی برای دولت هم شده است. وجه دیگری از قاچاق، قاچاق معکوس کالا است که کارشناسان معتقدند که دلیل اصلی این رخداد، ارزان بودن کالاهای مهم در داخل مانند دارو و سوخت نسبت به کشورهای همسایه است. در سال‌های اخیر، با افزایش نرخ دلار و نوسان سایر شاخص‌های اقتصادی، شاهد مبادله شدن کالاهای تولید ایران مانند محصولات کشاورزی در مرزها بودیم که این مسئله نیز به‌نوبه خود پیامدهای مخربی را برای اقتصاد کشور به‌همراه داشته است. دلیل اصلی این اتفاق را می‌توان ارائه یارانه و یارانه به تولید و در نهایت، پایین بودن نرخ کالاها معرفی کرد. بازاران بودن نرخ کالاها در داخل، فروش آنها به سایر کشورها با مبالغی بالا سود اقتصادی داشته و در نهایت، پدیده قاچاق معکوس شکل گرفته است. علاوه بر تمام موارد مذکور، اگر تخلفاتی مانند فروش کالاهای تقلبی، تاریخ مصرف گذشته و سایر موارد این‌چنینی را به معایب قاچاق اضافه کنیم، خواهیم دید، اقتصاد پنهان ناشی از قاچاق، از سمت‌وسوهای متفاوتی به مردم آسیب رسانده است. بنابراین، انواع قاچاق تا به امروز نه برای دولت و نه برای مردم سودی نداشته است، بنابراین باید مدیران دولتی راهکارهایی مناسب برای اجرای سیاست‌های تجاری در نظر بگیرند. سازوکارها باید به‌گونه‌ای باشند که ضمن پاسخ به نیاز بازار، استانداردهای وارداتی را رعایت کرده و برای کشور بیشترین منفعت را داشته باشد. در غیر این صورت، بازار سیاه قاچاق همچنان به‌بدنه اقتصاد کلان کشور ضربه خواهد زد.

## کوتاه

## سفر رئیس مجلس ویتنام به ایران

رئیس مجلس ویتنام عازم ایران شد. علی‌اکبر نظری، سفیر ایران در ویتنام در شبکه‌های اجتماعی نوشت: رئیس مجلس ویتنام که عازم اندونزی و ایران می‌باشد را بدرقه نمودم. سفر رئیس مجلس پس از ۲۴ سال در پاسخ به سفر همتا در سال ۲۰۱۸ و در پنجاهمین سالگرد روابط دیپلماتیک صورت می‌گیرد. نقطه عطفی در روابط بوده، حتما موجب گسترش روابط دوجانبه به ویژه پارلمانی خواهد بود.

## ابراهیم فیاض در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## تغییرات معادلات و جابه‌جایی هژمونی‌ها

## تمدن ایران در عرصه

## جهانی متحرک و خلاق است

## هژمونی نظامی به هژمونی

## اقتصادی تبدیل شده است



آرمان ملی - احسان انصاری: هژمونی نظامی قدرت‌های جهانی در قرن بیستم جای خود را به هژمونی اقتصادی در قرن بیست و یکم داده است. امروز دیگر هیچ قدرت بزرگی برای رسیدن به اهداف خود حمله نظامی را اولویت نخست خود نمی‌داند و در مقابل به راه‌هایی به جز تقابل نظامی فکر می‌کنند. تحول مهم دیگر در عرصه جهانی تبدیل شدن امر سیاسی به امر اجتماعی توسط شبکه‌های اجتماعی است. تحولی که مونولوگ را به دیالوگ تبدیل کرده و خطر جنگ را به گفت‌وگو و دیپلماسی تغییر وضعیت داده است. نکته مهم این است که ایران در تحولات جدید جهانی که بیشتر جنبه معرفتی و فکری دارد با توجه به چالش‌های داخلی و بین‌المللی دارای چه جایگاهی است؟ آیا ایران که تمدنی جهانشمول است از این ظرفیت برخوردار است که بتواند در تحولات جدید جهانی نقش قابل توجهی داشته باشد یا بحران‌های کنونی چنین اجازه‌ای نخواهد داد؟ برای تحلیل و بررسی این موضوعات «آرمان ملی» با دکتر ابراهیم فیاض، استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده که در ادامه حاصل این گفت‌وگوری خوانید.

را توصیه می‌کرد. این وضعیت در تفکرات دور کیم نیز وجود داشته است. همه این متفکران به دنبال خوشبختی انسان و معنا دادن به زندگی انسان بوده‌اند. امروز بسیاری از اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها از اینکه دوباره به مسیحیت بازگردند احساس هراس می‌کنند. غربی‌ها گمان می‌کنند اگر دین در محوریت قرار بگیرد تئوکراسی و استبداد کلیسا دوباره ظهور خواهد کرد. حمله جرج بوش به عراق با توجه به آموزه‌های آخرآزمائی مسیحیت و صهیونیست‌ها بود. با این وجود با به قدرت رسیدن اوباما دوباره لیبرال دموکراسی آمریکا و موضوع جهانی شدن مورد توجه قرار گرفت و تا حدودی آموزه‌های آخرآزمائی به حاشیه رفت. این اتفاق دیری نپایید و پس از اوباما فردی مانند ترامپ در آمریکا به قدرت رسید که از نظر به امنیتی جرج بوش پسر تبعیت می‌کرد. نکته قابل اهمیت در این زمینه این است که ترامپ با وضعیت جنگ بین امنیت و اقتصاد مواجه شد. ظهور فاشیسم حتی در ژاپن نیز مشاهده می‌شود و به نظر می‌رسد گروه‌هایی در این کشور به دنبال احیای امپراطوری ژاپنی قبل از جنگ جهانی دوم هستند. به نظر می‌رسد نوعی مکتب الحادی عدالت‌طلب تلاش می‌کند خود را به عنوان پادریام غالب در بسیاری از کشورهای جهان نشان بدهد.

## این مکتب الحادی عدالت‌طلب تنها در غرب وجود دارد یا اینکه کشورهای مشرق زمین را نیز درگیر کرده است؟

این مکتب اتفاقاً از شرق به غرب منتقل شده است. نیچه در یکی از کتاب‌های خود عنوان می‌کند مسیحیت وجه آسیایی غرب است و یهودیت وجه غربی غرب است. اتفاقی که امروز در تحولات جهانی رخ داده این است که در مقابل افول تمدن غربی تمدن مشرق زمین در حال بیدار شدن است. مک لوهان در کتاب «رسانه پیام است» در دهه شصت عنوان می‌کند: «امروز شرق خواب است. ما با رسانه‌های خود شرق متمددن به خواب رفته را بیدار می‌کنیم. پس از اینکه شرق از خواب بیدار شود شب طولانی غرب آغاز خواهد شد.» در نتیجه رویکرد جابه‌جایی تمدن‌ها آغاز شده است. این در حالی است که غرب هنوز هم می‌تواند لیبرال باشد اما شرق به دلیل عرفانی بودن نمی‌تواند چنین شرایطی داشته باشد.

## تحولات معرفتی تنها به شرق آسیا و شوراهای مانند چین و ژاپن خلاصه می‌شود یا اینکه کشورهای خاورمیانه که به تمدن اسلامی موسوم هستند نیز در حال تغییر و تحول هستند؟

این مسأله بسیار مهمی است. تمدن غربی در دهه‌های گذشته از ابتدای تولد تا پایان زندگی در چه مسیری حرکت کند تا بتواند زندگی خوشبختی داشته باشد. با این وجود همه این مسائل به مرور زمان از بین رفته است. امروز جهان با فروپاشی اخلاقی مواجه شده، احساس خوشبختی بین مردم جهان کاهش یافته، میزان خودکشی‌ها و استفاده از مواد مخدر افزایش پیدا کرده و انسان‌ها نسبت به هر زمان دیگری نسبت به یکدیگر بی‌عاطفه شده‌اند. به همین دلیل نیز مردم جهان در مسیر بازگشت به دین قرار گرفته‌اند.

متفکران غربی در معادلات خود حساب ویژه‌ای روی ایران باز کرده‌اند. یکی از متفکران غربی به من می‌گفت: شما مانند چین کمونیست و یا ژاپن پرکار نیستید و بلکه در چهار یا پنج دوره امپراطوری داشتید که این امپراطوری‌ها نیز جهانی بوده است. آنها معتقد هستند ایرانیان همواره دارای تفکر جهانی بوده‌اند و تمدنی متحرک و خلاق داشته‌اند. این برخلاف برخی تمدن‌ها است که حالت ایستا و راكد دارند. به همین دلیل تمدن جهانی شدن به دلیل ماهیت تمدن جهانی که دارد با آمریکا که به دنبال جهانی‌سازی است رقابت خواهد داشت.

شنبه  
۱۴۰۲۰۰۵۰۱۴  
شماره ۱۶۱۳  
۱۸ مهر ۱۴۴۵ / ۵ آگوست ۲۰۲۳

armanmeli.ir

## نگره

## آیا ایران در حال گذار به یک نظم

## ژئوپلیتیکی جدید است؟

جنگ فرسایشی او کراین با مدیریت آمریکا امروزه در حالی که مرز ۵۰۰ روز را گذرانده و بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای خاورمیانه اعتماد خود به آمریکا را از دست داده و با همراهی ایران می‌روند با ایجاد تغییر در سیاست‌های امنیتی خود، یک نظم نوین ژئوپلیتیکی را پشت‌سر بگذارند. چون ادامه این جنگ در شرق اروپا با ابعاد مختلف و تبعات منفی اقتصادی گسترده آن و همچنین تلاش‌های پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به‌سمت آسیا امروزه بسیاری از کشورهای خاورمیانه و به‌طور خاص حاشیه خلیج فارس را همچون بسیاری رهربان جهان واداشته است تا هم به فکر یافتن جایگاه واقعی خود در مفهوم جدید امنیت جهانی باشند و هم برداشت‌های قبلی از مقوله «امنیت جمعی» در منطقه خاورمیانه با حضور آمریکا بازنگری کنند یعنی حوادث پیدا و پنهانی که در چهار گوشه جهان از جمله در اروپا و شرق آسیا و اقیانوسیه و حتی آفریقا در حال رخ دادن است، مقامات هر کشوری را بر آن می‌دارد تا دیگر به تعریف‌های دوران جنگ سرد از امنیت ملت‌های خود دلخوش نباشند، چون به راحتی شاهد هستند که آن منازعات لفظی و جنگ غیر نظامی به تدریج از قالب سرد خود خارج شده و در قالب‌های جدید نظامی، سایبری و بیولوژیکی و انواع جنگ‌های دیگر هر روز گرم‌تر می‌شوند. شاید به همین دلیل هم هست که طی یک سال اخیر شاهدیم چگونه برخی کشورهای متخاصم به تدریج از تنش‌های قبلی میان خود می‌کاهند و سوگیری‌هایشان نسبت به قدرت‌های جهانی نیز تغییراتی ایجاد کرده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان به تنش‌زدایی اخیر میان ایران و کشورهای جنوبی خلیج فارس به ویژه بعد از قطب‌بندی‌های جدید در نظام امنیت بین‌الملل اشاره کرد. ۱۵ خرداد ماه اسامل بود که «امیر دریادار شهبان ایرانی» فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از شکل‌گیری یک ائتلاف دریایی جدید در خلیج فارس با حضور بازیگران همین منطقه خبر داده بود، در همان ایام بسیاری از تحلیلگران با انتشار سخنان او چنین استدلال کردند که طرح این موضوع جدید (تشکیل این ائتلاف دریایی منطقه‌ای) به راحتی می‌تواند نقش سنتی آمریکا را در تامین امنیت منطقه‌ای خلیج فارس زیر سوال ببرد. البته پنج روز قبل تر یعنی ۱۰ خرداد بود که گزارش‌ی در وبگاه انبانی «الجدید» درباره انجام مذاکرات آشتی میان جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی و امارات متحده عربی (که همواره تحت کنترل آمریکا بودند) با میانجیگری چین رقیب آمریکا، جهان را شوکه کرده بود. منتشر شده‌ی همه‌به‌راحتی می‌دیدند که چگونه آمریکا قدرت تاثیر گذاری خود در معادلات منطقه‌ای را از دست داده است.

## نظم ژئوپلیتیکی ایران

البته ایران و عربستان بیشتر در ۱۰ مارس (۱۹ اسفند ۱۴۰۱) یک تفاهم‌نامه در پکن در سطح حاکمیتی امضا کرده بودند که آن نیز نشان از یک تحول دامنهدار در شرایط خاورمیانه و منطقه خلیج فارس داشت، چراکه همین رویداد به نفعه عطفی برای ورود چین به ژئوپلیتیک منطقه آسیا و خاورمیانه به حاشیه کشیده شدن آمریکا و اتحادیه اروپا در این منطقه تبدیل شده بود. چون درست بعد از این توافق دوم جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در پکن بود که قرارداد ایرانی خیر ظهور یک بلوک دریایی منطقه‌ای جدید در خلیج فارس متشکل از ایران، عربستان سعودی، عراق، قطر، بحرین، هند، پاکستان و امارات متحده عربی را هم شامل بود، ائتلاف امنیتی جدید که پیش از این شکل گیری احتمالی آن به دلیل سیاست‌های اختلاف‌افکنانه آمریکا در این منطقه از جهان قابل تصور نبود. در واقع این تصمیم‌گیری جدید در قدرت جنوب خلیج فارس (عربستان و امارات) برای آشتی ایران از ایجاد یک درک واقع‌بینانه جدید در مناسبات امنیتی منطقه خلیج فارس و تغییر مفهوم امنیت جمعی در این منطقه حکایت دارد که از قضا بعد از مدیریت جدید آمریکا در جنگ اوکراین شکل گرفته است. اظهارات دریا سالار ایرانی موجب بروز واکنش در مقامات آمریکایی شده بود، چون «دنيس راس» نوبسنده و دیپلمات سابق آمریکایی نخستین کسی بود از این اظهارات برآشفته‌شده‌ودر توبیتی نسبت به آن واکنش شدید نشان داد و البته با پاسخ‌های انتقادی زیادی هم از برخی تحلیلگران این تغییر نقش منطقه‌ای ایران را عاملی برای تضعیف سیاست‌های آمریکایی داندو مقصدند که این نوع سیاست‌ورزی خارجی تهران نه تنها واشنگتن را از رهبری نظامی و سیاسی در خلیج فارس محروم می‌کند، بلکه مکانیسم حضور آمریکا در نقاط پر انرژی کره زمین را نیز تضعیف می‌کند. چون نزدیکی متحدان دیرینه آمریکا (بردمین، امارات، هند) با ایران می‌تواند زنگ خطری برای پنتاگون باشد. البته این تحولات در سیاست خارجی ایران زمانی بیش از همه خشم آمریکا را برآورد که این نوع سیاست‌ورزی ایران در برقراری ارتباط با دیگر کشورهای منطقه از جمله مصر و برخی دیگر از کشورهای آفریقایی و همچنین در جلب توجه قدرت‌های نوظهور اقتصادی (بریکس) متشکل از چین، روسیه، برزیل، هند و آفریقای جنوبی برای مقدمه چینی عضویت در آن و نیز تثبیت عضویت ایران در پیمان همکاری‌های اقتصادی شانگهای هر روز برجسته‌تر هم می‌شود. با این وجود می‌توان ادغان داشت که ایران طی چند سال اخیر به سمت یک نظم نوین ژئوپلیتیکی پیش می‌رود که به راحتی می‌تواند زنگ خطری جدی برای آمریکا باشد.